



## چگونه توانستیم رفتارهای نادرست و ناشایست دانش آموزم محمد پایه اول ابتدایی ام را اصلاح کنیم؟

لیلا چوپانی

آموزگار پایه اول، دبستان سعدی

### چکیده

اینجانب لیلا چوپانی معلم پایه اول ابتدایی هستم که مشغول تعلیم و تربیت فرزندان این آب و خاک می باشم. در سال جاری در دبستان سعدی واقع در بندرلنگه دوران خدمت خود را گذراندم. در کلاس من دانش آموزی به نام محمد بود که اصالتاً بندرلنگه ای بود و مدت کمی هم بود که بخاطر کار پدر خود به شمال مهاجرت کرده بودند. متأسفانه این دانش آموز دچار بعضی اختلالات رفتاری ناشایست شده بود. از قبیل شلوغی کردن، مسخره کردن دیگران، اذیت دادن به دیگر دانش آموزان، حسودی کردن، تنبلی، بی حوصلگی، فحش، لجبازی، سردرد بود. در پایان با راهکارهایی که توسط خودم و همکاران اجرا شد توانستیم مشکل این دانش آموز را رفع نماییم. این راهکارها به شرح زیر است: - محبت به موقع و متناسب به فرزندان و دانش آموزان، موجب کاهش اختلالات رفتاری می شود. - توجه به موقع، محبت، تقویت نکات مثبت، پرورش اعتماد به نفس، موجب نگرش مثبت فرد نسبت به خود و دیگران می شود. - ایجاد انگیزه و ایجاد نگرش مثبت فرد نسبت به خود و معلم و دیگران موجب بهبود وضعیت تحصیلی و رفتاری فرد می شود. - بین فرزندان نباید تبعیض قائل شد. - بهتر است برای شناسایی و رفع مشکل از راهنمایی های صاحب نظران استفاده گردد. - بهتر است برای رفع مشکل، نظریه های علمی و تحقیقات گذشته مورد توجه قرار گیرد. تا دارای اعتبار می باشد.

کلید واژه: دانش آموز - پایه اول - رفتار ناشایست - حسادت - فحش

### مقدمه

یکی از عوامل بازدارنده در امر تحصیل، اختلالات رفتاری می باشد. معلمان در برابر اختلالات رفتاری، به شکل های متفاوتی از خود عکس العمل نشان می دهند. برخی از معلمان آنان را به شدت سرکوب می کنند. بعضی از معلمان، در مقابل آنان کو تاه می آیند؛ بعضی دیگر آنان را به حال خود رها می کنند. اما واقعیت این است که در این حالت مشکل ادامه خواهد یافت و مشکلات دیگری نیز به دنبال خواهد آورد.

به نظر می رسد راه منطقی این است که وقتی مشکلی در کلاس پیش می آید؛ بهتر است ابتدا آن مشکل شناسایی شود سپس آن مشکل به صورت علمی مورد بررسی قرار گیرد. بعد از آن راه حل هایی جهت رفع مشکل پیدا کرده و به صورت عملی آن مشکل رفع گردد.

### توصیف وضعیت موجود و تشخیص مسئله

در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ در پایه اول مدرسه سعدی مشغول به خدمت شدم. وقتی برای اولین بار به کلاس رفتم از فرا گیران خواستم خودشان را معرفی نمایند وقتی نوبت به محمد رسید، دیدم پسری با پوست سیاه گوشه کلاس نشسته است. وبا صدایی بلند خودش را معرفی کرد. اما وقتی دانش آموزی با صدای بلند خودش را معرفی می کرد. محمد از من می خواست که به او بگویم با صدای پایین خودش را